

سبک شناسی یک اثر تعاملی، نمونه موردی دیوارهای تعاملی "پیش از آنکه بمیرم..." از کندی

چانگ

نفیسه نجفی، محمد جعفر یوسفیان

Nnajafi_designer@yahoo.com

چکیده

از آغاز دهه ی نود به این سو، که رایانه های شخصی و اینترنت، به تدریج تبدیل به رسانه هایی تثبیت شده در خلق آثار هنری شدند؛ و گونه هایی جدید چون «هنر تعاملی» و «هنر نت» قدم به عرصه ی هنر معاصر گذاشتند؛ «تعامل گری» مخاطبان آثار هنری دیگر نه امری بعید، بلکه اصلی قلمداد شد. هر اثر هنری که تماشاگر مستقیماً بتواند در آن مشارکت و برهم کنش داشته باشد، هنر تعاملی محسوب می شود. چه با استفاده از تکنولوژی اجرا شود و چه بدون آن. در فرآیند تعاملی شدن، انتخاب رسانه، تعامل و مشارکت مخاطبین در خلق اثر، باعث تبدیل اثر به متن هنری و همین طور کمرنگ شدن هنرمند به عنوان مولف می شود.

در این پژوهش بنیادین که به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای انجام شده است، به سبک شناسی یکی از انواع هنر تعاملی که نوعی هنر محیطی است و در کشورهای مختلف جهان اجرا شده، پرداخته شده و سعی شده است عناصر شاخص سبکی این نوع جدید هنری مورد بررسی قرار گیرند. بدین منظور این نمونه در ترازهای مختلفی مانند کلامی، نحوی، متنی، بافتی، روایی و گونه شناختی مورد بررسی قرار گرفته و شاخص های سبک شناسانه آن ارائه خواهند شد.

کلیدواژگان:

سبک شناسی هنری، هنر تعاملی، چیدمان تعاملی، مخاطب

مقدمه

در هنرهای تجسمی ابژه هنر در قالب یک اثر ساکن و تمامیت یافته در مقابل مخاطب قرار می گیرد و مبدا تجربه زیبایی شناسی وی می گردد. در قرن بیستم و با طلوع تصاویر متحرک آثار به تصویر متحرک ولی تمامیت یافته بدل می گردند، اما همچنین اثر خلق شده ثابت و لایتغیر است. در هر دو حوزه مخاطب علی رغم مشارکت در درک محتوایی و زیباشناسانه اثر، نقشی در شکل گیری اثر ندارد. اما با ظهور تکنولوژی دیجیتال، گرایش به تولید آثار هنری با بهره برداری از کیفیات این ابزار در خلق آثار هنری محیا شده و از اواخر قرن بیستم، هنر تعاملی به عنوان یک گونه هنری خاص تثبیت گردید. هنر تعاملی گونه ای از چیدمان است که به مخاطب یا بیننده اجازه می دهد تا در اثر هنری به نحوی مشارکت کند که نهایتاً او را به هدف دلخواهش برساند.

اساساً هر اثر هنری که تماشاگر مستقیماً بتواند در آن مشارکت و برهم کنش داشته باشد، هنر تعاملی محسوب می شود. این هنر می تواند در هر شکلی خواه به صورت سنتی، یعنی بدون استفاده از اجزایی نظیر ابزارهای دیجیتالی و اینترنت، و خواه با استفاده از تکنولوژی انجام پذیرد. در فرم غیر سنتی آن، به عنوان نمونه اگر یک نقاشی را بازنمایی ای از محیط بدانیم، آثار هنری تعاملی، نه یک بازنمایی بلکه ماشین های مجازی ای هستند که خود تولیدات بازنماییانه متفاوتی را بر اساس ورودی های لحظه ای ایجاد شده توسط مخاطبان مختلف ارائه می دهند. از جمله رسته های مختلف این آثار هنری می توان به چیدمان های تعاملی درون گالری ها و نمایشگاه های هنری، موزیک تعاملی، تئاتر تعاملی، هنر تعاملی مبتنی بر مواجهه کاربر با کامپیوترها و وب و همچنین معماری و فیلم تعاملی اشاره نمود. (سیدین، افهمی، ۱۳۹۴: ۳)

تواناییهای رو به افزایش کامپیوتر، اینترنت و هنر تعاملی مانند تعامل، گستردگی، سرعت، امکان حضور همزمان در مکان با استفاده از رسانه های جدید برای به تعامل کشیدن مخاطب در بیان معنا و مسائل فرهنگی اجتماعی است. بنابراین می توان هنرهای تعاملی را می توان با نظریه های رولان بارت در زمینه ی مرگ مولف و متن تطبیق داد. (رهبرنیا، مصباح، ۱۳۹۰: ۱)

تأثیر کار مخاطبان و شرکت کنندگان در یک اثر تعاملی باعث به وجود آمدن گستره نظام های رمزگانی و تنوع آنها می شود و به زبان دیگر، بازی دال ها که رولان بارت از آن سخن به میان می آورد، به منصف ظهور می رسد. هنر تعاملی با به چالش کشیدن جایگاه هنرمند در مقام خالق اثر و همین طور ایجاد بستر سازی تبدیل اثر هنری به متن هنری، بانظریات رولان بارت در مورد مرگ مولف و تفاوت اثر با متن تطابق دارد.

تعامل مزبور حاصل مناسبات جدید میان مخاطب و هنرمند است؛ کاربر یک اثر تعاملی دیجیتال، مثلاً یک نرم افزار داستانی با اعمال سلیقه و خواست خود در روند شکل گیری روایت، جایگاه خود را به عنوان عاملی نوظهور در فرآیند نمایشی تثبیت می کند. هنر تعاملی از دو سو نشانگر مناسباتی پویا و قابل تامل است: نخست از منظر زیبایی شناسی مجازی نوین و سپس به خاطر پیوند میان رشته ای هنر و فن آوری. (یوسفیان، قهرمانی، ۱۳۸۶: ۱۰۱)